



DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7

گفتاری درباره جوامع حديثی و سفینة البحار - آیت الله سید احمد روضاتی،

حمید سلیم گندمی

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۰ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۰۵-۱۳۲

## گفتاری درباره جوامع حديثی و سفینة البحار

آیت الله سید احمد روضاتی

ترجمه: حمید سلیم گندمی\*

چکیده: در این گفتار، پس از بیان ضرورت رجوع به حدیث و تاریخ مختصر تدوین منابع حدیثی، منابع اصلی حدیث شیعه به سه دوره جوامع اولیه و ثانویه و متأخر تقسیم شده و برای هر دوره چند نمونه بیان می‌شود. آنگاه کتاب بحار الانوار را وصف می‌کند و پس از آن سفینة البحار را می‌شناساند. در ضمن معرفی این کتاب، شرح حال و آثار شیخ عباس قمی را توضیح می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: روضاتی، سید احمد؛ سفینة البحار (کتاب)؛ قمی، عباس؛ تاریخ حدیث شیعه؛ منابع حدیث شیعه؛ بحار الانوار (کتاب).

---

\* عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دانشجوی دکتری واحد تهران شمال  
salimh1343@gmail.com

## پیشگفتار مترجم

یکم. شرح حال مختصر مؤلف:

آیة الله سید احمد روضاتی اصفهانی فرزند حاج سید محمدباقر از نوادگان سید محمدباقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات الجنات) از علماء معاصر تهران است که نسب او به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد. وی در هفتم ماه رب سال ۱۳۴۷ ق. در اصفهان به دنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید در سال ۱۳۶۳ ق. به تحصیل علوم دینی پرداخت. مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خواند. در سال ۱۳۶۷ ق. به قم رفت، در محضر علمای بزرگ حوزه قم درس آموخت. پس از آن به در سال ۱۳۸۹ ق. به تهران رفت که تا پایان عمر خود در تهران ماند آثار فراوان به خصوص در زمینه تراجم، عقاید، فقه و اصول دارد که اکثر آنها چاپ شده است. بیش از بیست تن از عالمان شیعه در ایران و عراق و لبنان به ایشان اجازه روایت داده‌اند.

برخی از آثار ایشان در اینجا یاد می‌شود:

۱. المستدرکات على روضات الجنات. مفصل ترین تعلیقات بر روضات الجنات، که یک مجلد آن چاپ شده است.
۲. تصحیح متن و تعلیقات فراوان بر «مناهج المعرف» جدش میر ابوالقاسم کبیر (متوفی ۱۱۵۷ق.). شاگرد علامه مجلسی در باب عقاید به زبان فارسی در ۱۰۵۶ صفحه که همراه با رساله‌ای در ۳۲۴ صفحه در باب شرح حال عالمان خاندان روضاتی در سال ۱۳۵۱ ش. منتشر شده است. (نام دیگر آن: فرهنگ عقاید شیعه).
۳. چند کتاب در شرح حال دانشوران شیعه به خصوص عالمان خاندان، مانند: موقظ الأعلام (۳ جلد)، المشايخ و الأساتذة، محسن الإجازات في سلسلة الروايات، سیرة صاحب الروضات، علماء الأسرة.

۴. کتابهایی فارسی مختصر در باب عقاید که در زمان اقامت تهران و امامت مسجد الرحمن نوشته و با عنوان کلی «ندای شیعه» انتشار داد، مانند: گفتگوی شیعه و سنتی، پاسخ پرسشها (۳ جلد)، چرا ما باید فقط شیعه باشیم؟
۵. تحقیق و تعلیق برخی از آثار دانشمندان پیشین در زمینه‌های مختلف، مانند: کتاب «النہریه» که (شامل چهار رساله فقهی، چاپ ۱۳۷۷ ق.)؛ کتاب «زواهر الجواهر» (چاپ ۱۳۷۹ ق.)؛ کتاب «میزان الانساب» تألیف جد وی مرحوم آیت‌الله میرزا محمد هاشم چهار سوچی (چاپ ۱۳۷۳ ق.)؛ کتاب «فوائد منطقی» تألیف اسفرائینی (چاپ ۱۳۸۵ ق. اصفهان)؛ صحیفه سجادیه (چاپ عکسی از روی نسخه میر ابوالقاسم کبیر با مقدمه تحقیقی).
۶. یک سلسله مقدمه تحقیقی که هر کدام را می‌توان یک رساله به شمار آورد؛ بر کتابهایی مانند: صحیفه سجادیه، سفینه البحار محدث قمی؛ رسائل شیخ انصاری؛ حاشیه قوانین.
۷. سلسله مقالات «شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان» که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون منتشر شده است (چاپ اصفهان، شماره ۱۴۲ تا ۱۵۵).
۸. چند کتاب در فقه و اصول که تاکنون چاپ نشده است، مانند: السبیل المسلوب فی اللباس المشکوک؛ مغامم الفصول فی شرح معالم الاصول؛ رساله در عدالت؛ سیر علم الاصول فی مختلف العصور.
۹. ترجمه فارسی برخی از آثار عالمان شیعی مانند مسکن الفؤاد شهید ثانی و بخش سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.
- ایشان در هفتم مرداد ۱۳۸۰ شمسی (۱۴۲۲ ق.) درگذشت و در باغ رضوان

اصفهان به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

دوم. در باره این متن:

۱. اصل این متن، مقدمه مؤلف بر سفينة البحار چاپ سنائی تهران (سال ۱۳۸۲ق.) است که دار المرتضی و مؤسسه الوفاء لبنان بطور افست منتشر کردہ‌اند.
۲. مؤلف، در یک تقسیم ابتكاری که در کتابهای تاریخ حدیث تاکنون دیده نشده، جوامع حدیثی شیعه را ذیل سه قسم تنظیم و معرفی کرده است: جوامع اولیه، جوامع ثانویه و جوامع متاخر.
۳. وی ضمن معرفی جوامع، برخی جوامع حدیثی غیرمشهور را که هنوز چاپ و منتشر نشده‌اند معرفی کرده است مانند جوامع الكلام فی دعائم الاسلام به طریق اهل بیت علیهم السلام نوشته سید محمد مشهور به سید میرزا جزائری و کتاب حدیثی لواء الحمد نوشته مرحوم سید صدرالدین صدر.
۴. با برخی مؤلفان جوامع و مصادر حدیثی متاخر، معاشرت داشته، بدین روی اطلاعات مستقیم و درجه اول در مورد این منابع می‌آورد.
۵. فهرست آثار چاپ شده و آثار چاپ نشده محدث قمی را بر اساس آخرین اطلاعات تا زمان نگارش این متن به ترتیب القبای عنوان آورده است.

\*\*\*

### مقدمه مؤلف

حمد و سپاس مخصوص خداست، و سلام و درود بر رسول خدا و بر خاندانش، و سلام و درود بر راویان احکام الهی باد.  
خورشید درخشنان اسلامی در افق شرق پدیدار گشت و همه عالم را از پرتو

۱. این شرح حال، عمدهاً بر اساس خودنوشت مرحوم روضاتی (صفحات ۲۶۰ تا ۲۷۰ مقدمه مناجت المعرف) نوشته شد و مطالب از منابع دیگر بدان افزوده شد.

انوارش روشن ساخت و در سایه اشعه‌های نورانیش گسترش پیدا کرد، در زمانی که عالم در جهل و توحش و بربریت غوطه‌ور بود، همان دنیایی که ظلم و ستم بر اهل آن چیره شده بود و در بین افراد عالم دشمنی رایج و شایع شده بود. این همان جهانی بود که از عدالت اجتماعی فاصله زیاد گرفته بود و برای افراد جامعه انسانی هیچ نصیب و بهره‌ای از انسانیت و مدنیت، در آن متصور نبود. در چنین دوران حساسی، پیامبر اسلام ﷺ ظهر کرد و دل‌های مردم را به قرآن کریم و سخنان گهربارش و از طریق احادیثی که در گفتگوها و مجالس دینی بر مردم القاء می‌کرد، زنده گردانید.

گاهی پیامبر ﷺ را می‌بینی که به مخاطبی از اعراب می‌گوید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» و مردم را با وجود اختلاف طبقاتی و روشهای مختلف در شرک و کفر، به توحید و رها کردن جبت و طاغوت فرا می‌خواند.

گاهی مردم را با این سخن «هل يسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» به تحصیل علم و عمل به آن تحریص و تشویق می‌کند. و گاهی او را می‌نگری، در حالی که با این سخن خداوند تعالی «و لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» از قتل و جنایت باز می‌دارد. و گاه او را در جایگاهی می‌یابی که بر اساس سخنان خداوند بزرگ «و أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَىٰ» و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» برای تحکیم مبانی عدالت اجتماعی می‌کوشد. او را می‌بینی، در حالی که بر روی منبر نشسته و این سخن خدای تعالی را قرائت می‌کند: «و لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» و «إِحْسَنْ كَمَا احْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»، و مردم را به مسیر پیشرفت در تمدن و سیر در هر آنچه برای پیشرفت هر مسلمانی در امور دنیوی ضروری است، امر می‌کند و از تنبیه و از زخارف دنیایی و لذائذ آن نهی می‌کند؛ و این وضعیت وخیم را با این سخن خدای تعالی هشدار می‌دهد: «قُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادَهُ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ».

گزاره و مبالغه نیست، اگر صریح و آشکارا بگوییم؛ درهای دین اسلام بر پوینده راهش گشوده است. دین اسلام میدانی فراخ گسترانیده تا پیشرفت و تمدنی جدید برای نسل‌های نو به ارمغان آورد. دین دائره بسته‌ای نیست و بسیار گسترده است؛ اما نه به آن معنا و مفهومی که برخی از جوانان ما که در وابستگی به تمدن جدید افراط دارند، برداشت می‌کنند، بلکه در محدوده متابعت از کتاب و سنت و فقه شیعه، چرا که تعالیم عالیه اسلام برای زمان‌های طولانی وضع شده و جاودانه خواهند ماند و همه عصرها و دوره‌ها از پرتو انوار آن بهره‌مند می‌شوند.

اسلام یگانه دین در بین همه ادیان است که در تعالیم ارزشمندش، عقبه‌ها و مسیرهای بسیاری یافت می‌شود که به عنوان مانع در برابر فسق و فجور قلمداد می‌شود، یعنی فسق و فجورهایی که برخی از مردم به آنها تمایل نشان می‌دهند. همین افتخار برای اسلام کفایت می‌کند. اسلام، انسان را تقدیس کرده و بسیار گرامی داشته است، تا مرد به ازدواج ترغیب شود و بر اساس دستورات شرعی و قانونی، از زنا، بپرهیزد. همان زنا که امروزه در میان جوانان پسر و دختر ما به نام تمدن و آزادی شیوع پیدا کرده است. اسلام آن دینی است که اغلب مسائل اجتماعی را که غربی‌ها پیوسته در گیر آن مسائل هستند، با عقل بلند و عدالت محور حل کرده است.

خلاصه اینکه پیامبر ﷺ، در صحرا و سیعی که در آن روزگار، حجاز نامیده می‌شد، برای اصلاح مفاسد رفتاری شایع در بین امت به پا خاست و همان اصلاح اخلاق را به عنوان هدف غائی نبوتش قرار داد، تا جایی که در کلمات گهربارش می‌فرمود: «بعثت لاتم مکارم الاخلاق»

دکتر شبی شمیل مادی گرای معروف چه زیبا گفته: «در قرآن، اصول اجتماعی عمومی وجود دارد که برای استفاده در هر زمان و مکانی شایسته و نیکوست؛ حتی

در مورد زنان که آنان را به پاکدامنی مکلف داشته و بر مردان واجب کرده که یکی از زنان را به ازدواج خود در آورند، در زمانی که امکان رعایت عدالت را نداشته باشند. قرآن برای سعادت بشر در دنیا و آخرت مسیرها و راههای تلاش و تعالی روح را گشوده است در حالی که دیگر ادیان آن راهها را بسته‌اند و وظیفه بشریت را در زهد و دل کنند از این دنیای فانی محدود کرده‌اند».

از سوی دیگر، مسلمانان به احادیث نبوی ﷺ، نیاز جدی داشتند. بدین روی، از زمان حیات حضرتش برای گردآوری احادیث پراکنده آن گرامی اقدام می‌کردند. وقتی قوانین و مقررات کاملی مرور شود که پیامبر خاتم ﷺ برای سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان آورده است - که نمونه‌هایی از آن قوانین را به صورت فهرست اجمالی ذکر شد -، متوجه می‌شویم این قوانین نه منحصر به قرآن کریم هستند و نه همه آنها در سنت نبوی موجودند؛ بلکه کلیاتی از آن مسائل در قرآن ذکر شده و جزئیات آنها در اخبار و احادیث روایت شده که به سند معتبر و عالی از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام آمده است. به همین دلیل پیامبر در حدیث متواتر بین فرقین شیعه و سنی معروف به حدیث ثقلین می‌فرمایند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی.... تا آنجا که فرمودند: انهم لَن يُفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ». پس قرآن و حدیث، همواره شانه به شانه و کنار در کنار یکدیگرند و هیچ کدام از دیگری بی‌نیاز نیست، بلکه در غالب موارد تفسیر یکی از آن دو بدون وجود دیگری امکان ندارد.

بدین روی محدثان و عالمان همت کردند. بخصوص با توجه به این سخن پیامبر که فرمود: «من حفظ على امتي اربعين حديثاً مما يحتاجون في امور دينهم بعثه الله يوم القيمة فقيهاً عالماً» برای گردآوری و حفظ حدیث نبوی بیشتر تشویق و تحریص می‌شدند، به نحوی که در زمان امام جعفر صادق علیه السلام شمار آنها به ۴۰۰ نفر می‌رسید. اینان

مؤلفان و صاحبان چهارصد تصنیف حدیثی شدند که در اصطلاح محدثان و رجالیون به «اصول اربعائه» نامیده می‌شدند.

یکی از امتیازاتی که برای این اصول و مؤلفان آنها بر شمرده می‌شود، این است که اصحاب حدیث برای آنها اعتبار و جایگاه خاصی قائل بودند و از طریق قرائت و روایت و حفظ و تصحیح، توجه بسیار به آنها، و فضیلت دادن این مصنفات بر سایر تصنیف‌ها، اهتمام زیادی به آنها نشان می‌دادند. البته با توجه به اینکه بیشتر این اصول از طریق گزارش مجالس و در پاسخ به مسائل مختلف (جوابات المسائل) و در ابواب مختلف و متفرق فقه و اصول جمع‌آوری شده بودند، مرتب و منقّح و مهدّب نبودند. به همین دلیل، فقهاء و محدثان از زمان‌های قدیم تا کنون با هدف تسهیل در بهره برداری و سهولت استفاده از کتب حدیثی، به جمع و ترتیب و تهذیب احادیث به روش فنی گرایش پیدا کردند.

### جواع اولیه

شیخ بزرگوار، محدث پیشکسوت، رئیس محدثان، شیخ محمدبن یعقوب کلینی متوفای ماه شعبان سال ۳۲۹ق. معروف به سال «تناثرالنجوم» جامع حدیثی خود را با عنوان *الكافی* تألیف کرد.

شهید اول در اجازه‌اش به شیخ علی بن خازن حائری در مورد کتاب *کافی* گفت: «کتاب *کافی* در حدیث که در شیعه امامیه مانند آن نوشته نشده است». علامه حلی در خلاصه الاقوال گفت: «*کافی* را در ۲۰ سال تألیف کرد». بعد از *کافی*، شیخ محدث متبحّر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ کتاب جامع خودش من لا یحضره الفقيه را تألیف کرد و بعد از آن شیخ فقيه محدث اصولی محقق دقیق، شیخ محمدبن حسن طوسی متوفای سال ۴۶۰ق. دو کتاب خود التهذیب و الاستبصار را نگاشت. سید استاد ما خاتم الفقهاء والمجتهدین

حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی اعلیٰ الله مقامه الشریف در مجلس درس خود، از کتب اربعه با عنوان «جوامع اولیه» تعبیر می‌کرد و من چندین نوبت، این تعبیر را از ایشان شنیدم.

### جوامع ثانویه

بعد از گذشت چندین قرن متوالی، عده‌ای از بزرگان علماء کتابهایی در حدیث گردآوردن که استاد ما سید حسین طباطبائی بروجردی با عنوان «الجوامع الاخیرة» از آنها تعبیر می‌کرد و ما برای تناسب با جوامع اولیه، از آنها با عنوان «الجوامع الثانویه» تعبیر می‌کنیم. این کتابها چنین است:

اول: کتاب «جوامع الكلم» از سید علامه میرزا محمدبن سید شرف الدین علی جزائری. وی از مشایخ صاحب بحار و صاحب وسائل و سید محدث جزائری و دیگران است و کتابش تا کنون چاپ نشده است.<sup>۱</sup>

دوم: کتاب «تفصیل وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشیعه» تأليف شیخ محدث متبحر شیخ محمدبن حسن حرّ عاملی. کتابی بسیار مفید که از زمان تأليف تاکنون، یکی از مصادر فقاهت و استنباط برای عموم اهل علم است.

سوم: کتاب «الوافی» تأليف علامه محقق جامع مولی محمد محسن فیض کاشانی است.

چهارم: کتاب «بحار الانوار» تأليف علامه متبحر مولی محمد باقر مجلسی است. شگفت اینکه مؤلفان این جوامع، همگی محمد نام داشتند و همه آنها از بلاد عجم بودند.

### جوامع متأخر

جوامع متأخر، از نظر ما به پنج کتاب از متأخران و معاصران اطلاق می‌شود،

۱. درباره آن مقاله‌ای در سفینه شماره ۳ منتشر شده است. تحقیق این کتاب به بیان رسیده و در آستانه چاپ است. مترجم.

شامل:

اول: کتاب «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل» از علامه محدث رجالی خبیر، حاج میرزا حسین نوری متوفی سال ۱۳۲۰ق.

دوم کتاب «مستدرک البحار» از تألیفات علامه متبحر پژوهشگر شیخ ما در اجازه روایت، شیخ میرزا محمد بن رجبعلی طهرانی عسکری مقیم سامراء. که در همانجا در روز دوشنبه ۲۸ جمادی الاولی (روز خورشید گرفت) سال ۱۳۷۱ق. درگذشت. در آن روز کسوف خورشید واقع شد، به گونه‌ای که تمام قرص خورشید ناپدید شد و روز روشن به شب ظلمانی و تاریک تبدیل شد. میرزا حبیب الله اصفهانی ادیب متخالص به نیر در رثای این دانشمند چنین سرود:

شجانا دهنا و العيش نکد	لرحلة عالم حرر مسدّد
مضي بدرالمضيء و فخر طهران	توفّي آية الله الممجّد
دعاه المستخار الى جواره	و مسكنه بسامراء ابد
كسوف الشمس محسوساً و معنى يُرى في فقد ذا المولى المؤيد	
اراد التبرير التوضيح للغوت	ففي الاثنين روح منه تسعد
فلما نقص الاثنين اتّخ	أوى في الرّوض مولانا محمد

که به حساب ابجد، سال ۱۳۷۱ می‌شود.

وی از شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی بزرگ و ملا حسین قلی همدانی و مولی فتحعلی سلطان آبادی و حاج میرزا حسین نوری بود. ایشان به همه مجلدات بحار استدرآک نوشت و کتابش را در ۲۶ جلد نگاشت. توفیق رؤیت نسخه خطی اصل به خط شریف مؤلف در کتابخانه عمومی در زمان تشرف به عتبات عالیات نصیبیم شد. شیخ ما علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی سلمه الله تعالی در الذریعه ج ۳ ص ۲۷، به آن اشاره کرده و چنین گفته: «مستدرک البحار یکی از آرزوهای علامه مجلسی بود که مکرراً به آن وعده داده بود، ولی اجل به ایشان مهلت نداد. در

روزگار ما بر بسیاری از ابواب تمام مجلدات آن و خصوصاً بر مجلد اجازات آن استدراک نوشته شد، به نحوی که استدراک بر بحار به چهار مجلد بزرگ رسید، همچنان که در ذیل عنوان اجازات، آن را ذکر کردیم».

شیخ ما علامه معاصر حاج شیخ علی اکبر نهادنی (متوفای سال ۱۳۶۹ ق.) در کتاب «العقربی الحسان» (بخش دوم با عنوان المسك الاذفر، ص ۹۷) از بعضی مجلدات این کتاب شریف نقل کرده و کلام ارزشمندی پیرامون منزلت و ارزش مؤلف مرحوم آن نوشته است. بدان کتاب رجوع کنید.<sup>۱</sup>

الحق که ایشان شایسته این بود که بر بحار استدراک بنویسد، چرا که ایشان از نوادگان علامه مجلسی بود، همچنانکه در نامه مورخ ۲۳ ذی القعده الحرام ۱۳۶۹ ق. به خط شریف خودش برای ما این چنین نوشت: «انتساب حقیر به علامه مجلسی، از طرف جد مادری ام، سید عابد زاهد سید ابوالقاسم حسینی است که از طرف پدر، حسینی و از طرف مادر طباطبائی است. ایشان به من می‌گفت که مادرش از نوادگان علامه مجلسی است و از زمان ولادتش تا این تاریخ (سال ۱۳۶۹)، ۱۴۰ سال گذشته بود. همچنین می‌گفت که جدش سید اسماعیل در تخت فولاد اصفهان مدفون است. به هر حال شاید والده مرحومه اش از نوادگان علامه مجلسی بود».

این شیخ جلیل، از مشایخ اجازه بسیاری از علمای آن روزگار بود و به خط شریف خودش، اجازه‌ای برای ما در دوازدهم ماه ربیع الاول سال ۱۳۶۹ قمری نوشته است.

**سوم: کتاب «مستدرک المستدرک فی استدراک ما فات عن صاحب المستدرک»**

---

۱. بهره‌گیری مرحوم نهادنی از سیزدهمین مجلد مستدرک البحار، عمدهاً در باره افرادی است که توفیق تشرّف به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه یافته‌اند. مترجم.

از تألیفات سید علامه فقیه اصولی محقق، یکی از زعمای بزرگ شهر قم در این اوآخر، شیخ ما در روایت و استاد ما، علامه سید محمد حجت کوه کمری تبریزی (متوفای ۱۳۷۲ق.) است. من در ایام اقامتم در قم توفیق رؤیت دو جلد از نسخه‌های خطی اصلی در نزد مؤلف گرانقدرش را یافتم. او به خط شریف خودش اجازه‌ای برای ما در ۱۲ ماه رجب سال ۱۳۶۹ نوشت. کتاب «جامع الاحادیث و الاصول» نیز از تألیفات ایشان است که من آن را ندیده‌ام و دوست فاضل معاصر ما [میرزا محمد علی مدرس تبریزی] – رحمت خدا بر او بود – در ریحانه‌الادب ج ۱ ص ۳۱۰ آن را ذکر کرده است.

چهارم: کتاب الجامع الكبير معروف به «لواء الحمد» از تألیفات علامه بزرگ فقیه مجتهد اصولی محقق با تقوا، شیخ ما در روایت، حاج سید صدر الدین صدر، یکی از پیشوایان بزرگ دینی در حوزه قم، متوفای سال ۱۳۷۳ و از شخصیت‌های بارز و شاخص اسلامی است که نظری ایشان در عالم اسلامی بسیار کم است. وی علم و عمل و اخلاق را جمع کرده و من ایشان را مصدق انسان کامل یافتم، چرا که او رحمة الله عليه هرآنچه را که متعلق به خودش بود، در همه شئون در راه ترویج دین و حمایت مسلمین بذل و بخشش کرد. خداوند مقامش را عالی گرداند.

مؤلف در کتاب «لواءالحمد» روایات نبوی ﷺ در همه ابواب فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و مستحبات و آداب را از طریق عامه و خاصه گردآورده است. این کتاب در موضوع خودش کتابی ابتکاری است که هیچ کس در شیوه تأثیف مانند آن بر او پیشی نگرفته است. او خود در این اوآخر به من می‌گفت: «برای کتابم مقدمه‌ای مبسوط قرار دادم که دارای فواید بسیاری است و پیرامون حدیث ثقلین و دلالت آن به تفصیل سخن گفته‌ام، به گونه‌ای که برای خصم الزاماًور باشد و گریزی برای برادران اهل سنت ما به جز پیروی از امامان شیعه باقی نمی‌گذارد.»

شاید به همین دلیل و یا به دلایل مشابه دیگر، کتابش را «لواء الحمد» نامگذاری کرده است. ناگزیر باید به این نکته طریف اشاره کنم تا حقیقت نامگذاری عنوان کتاب روشن شود و از وجه تسمیه عنوان کتاب پردهبرداری شود. آن نکته این است: در احادیث شیعه، روایات بسیاری پیرامون لواء الحمد وارد شده است، همان لواء و پرچمی که در روز قیامت به دست امام علی علیه السلام است. علامه مجلسی در بحار الانوار آن روایات را آورده و محدث قمی نیز آنها را ذکر کرده است (سفینه البحار ج ۲ ص ۵۱۷). من دوست می‌دارم در اینجا کلام دقیقی را بیان کنم که بر مبنای تحقیق و پژوهش دستیاب شده است. این کلام از محدث متکلم فیلسوف عارف مشهور، ابن ابی جمهور احسایی در کتاب المجلی ص ۳۰۶ و ۳۰۷ در مورد لواء الحمد، در دو عنوان اوای صوری و لوای معنوی است: «بر اساس مضامون احادیث صحیح، لواء صوری همان جسم معروف است که خداوند تعالی در روز قیامت آن پرچم را به حضرت محمد ﷺ عطا می‌کند و آن را در مقابلش حمل می‌کند. مسیر سایه آن ۵۰۰ سال است که همه مخلوقات در سایه آن قرار می‌گیرند و به آن پناه می‌برند. بنا بر نص روایت، حامل آن پرچم در آن روز علی علیه السلام است که پیشاپیش پیامبر ﷺ فرمودند: یا علی انت حامل لوای یوم القیامه. و اما لواء معنوی، مراد از آن مرتبه کلیه مشتمل بر همه مراتب کمال است، چرا که عظیم‌تر و جلیل‌تر از آن به جهت شدت امتداد و قدرت احاطه‌اش وجود ندارد، به گونه‌ای که همه موجودات کمال خود را از آن بر می‌گیرند. پس هر کمال و جمالی در عالم معانی یا در عالم صورت، از همان مرتبه مستفاد می‌شود و در آن محظوظ می‌گردد. پس لواء الحمد، جامع همه خصال پسندیده است. همه انسانها از حضرت آدم و دیگر اولاد بشر، برای استفاده از کمال آن در زیر آن قرار می‌گیرند و علی علیه السلام حامل آن لواء است، زیرا هیچ یک

از اصحاب و انساب، توان حمل اسرار این مرتبه را ندارند، به جز علی علیّاً).

من می‌گوییم: علامه صدر با نامگذاری کتابش به همه فرق اسلامی اشاره دارد که ناچار از آمدن به زیر لواء علی علیّاً و ناگزیر از عمل به ثقلین برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت هستند و این معنی بسیار لطیف است. از خداوند توفیق نشر این اثر نفیس را برای اهل خیر به جهت خدمت به دین مسئلت داریم. این سید بزرگوار نسبت به من رؤوف و مهربان بود و در سال ۱۳۶۸ ق. برای من اجازه‌ای نوشت.

پنجم: کتاب «جامع احادیث الشیعه فی الحکام الشریعه» است؛ تألیفی بی‌نظیر در بین کتب حدیثی، از امام علّم مجتهد کبیر فقیه اصولی رجالی محقق مدقق که مادر روزگار از اینکه مانندش را در جامعیت و تحقیق و حافظه و اتقان و سرعت انتقال و ورع و تقوی و احتیاط شدید در امور دین و دنیا بزاید، عقیم مانده، پیشوای شیعه و رکن بزرگ تشیع، حاج سیدحسین طباطبائی بروجردی اعلی‌الله مقامه.

آن بزرگ مرد، از زمان‌های قدیم به این مطلب می‌اندیشید که کتاب وسائل الشیعه شیخ حر عاملی، که خود از اهم مصادر فقه و اجتهاد است، با همه جایگاه و شأن بزرگ در بین کتب حدیثی، از نقائص و عیوب خالی نیست. لذا کار استنباط برای طلاب فقه جعفری سخت و دشوار شده است. لذا برای هر کسی که در پی گمشده علمی اش در مسیر دستیابی به ادله باشد، باید امکان دسترسی فراهم شود و مسیر روشی برای سهولت در مسیر فقاوت، از قبیل تحقیق و تفحص در همه مخصوصات، مقيّدات، معارضات، مؤیّدات و سایر نکات دیگر فراهم شود. من در سال ۱۳۷۰ ق. در مجلس درس ایشان حضور داشتم، همان زمانی که این ایده درخشنan را در ضمن مباحث فقهی با شاگردان فاضلش - که تعداد آنها به حدود هزار تن می‌رسید - مطرح کردند. به همین منظور ایشان امر کرد تا شاگردانش برای مشورت پیرامون این موضوع در منزلش حضور یابند. من هم در آن مجلس شریف حضور داشتم و

از زبان ایشان رحمه الله، افکار عمیق و نظریات دقیقش را پیرامون نقایص کتاب وسائل شنیدم که بالغ بر یازده نقص را بر شمردند و من آنها را در چند ورق یادداشت کرده بودم. سپس بعد از چاپ کتاب، تعداد نقائص را بالغ بر ۲۳ مورد دیدم. ایشان برای شروع تألیف، تعدادی از شاگردان فاضلش را به حضور نزد خویش فراخواند و گردآوری نسخه‌های نفیس خطی کتاب‌های حدیثی از سرزمین-های مختلف اسلامی برای تصحیح و مقابله را در دستور کار قرار داد و در این راه، بیش از یک میلیون تومان هزینه کرد، تا جایی که در سال ۱۳۷۴ ق. از اصل تألیف فراغت یافته و مطالعه و مرور توسط خود ایشان و آماده‌سازی برای چاپ باقی ماند. اگر زعامت عالیه و شخصیت عظیم و با نفوذ ایشان نبود، اتمام این کار بزرگ برای احمدی امکان‌پذیر نبود.

نهایت آرزو و هدف ایشان این بود که مجلد اول کتاب را در زمان حیات خودش برای چاپ آماده سازد، ولی متأسفانه قبل از اینکه مجلد اول از چاپخانه خارج شود، در سیزدهم ماه شوال سال ۱۳۸۰ ق. مرگ ایشان فرا رسید و با فوت ایشان قیامت کبری به پا شد و به واسطه آن ثلمه بزرگ، در جهان اسلام لطمہ‌ای به وجود آمد که با وقوع آن، انواع بلایا و سختی‌ها به عموم اهل علم در همه طبقات وارد شد. با مرگ ایشان ارکان اسلام و مسلمین مضطرب شد و بعد از ایشان فرزندان معنوی ایشان یتیم شدند و توسط ایادی کافر و فاسق، دشمنان دین و وطن مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و مضروب، مجروح و کشته شدند. فوجل اللهم فی فرج وایک المنتظر صلوات الله علیه. خدایا در فرج ولی متظرت که درود خدا بر او باد، تعجیل فرما تا از دشمنانت انتقام بگیرد.

در محضر این استاد بزرگ شش سال درس خواندم و از ایشان درخواست اجازه روایت کردم، که یک نوبت در ۲۵ ذی الحجه ۱۳۶۹ ق. و نوبت دیگر در ۱۴ شوال

## سخنی در باره بحار الانوار

و کریم به فضل و کرمش مسئلت داریم.<sup>۱</sup>

۱۳۷۷ ق. برای من اجازه روایت صادر کردند. جلد اول کتاب جامع الاحادیث ایشان، در همین ایام از چاپ خارج شد، توفیق اتمام آن را از درگاه خداوند منان

سعادتی است که انسان در آستانه این درگاه بایستد و در پیشگاه این عظمت کرنش کند در حالی که اعتراف به عجز بهتر از آن است که انسان بیهوده سخن براند، توصیف کننده در عظمت و بزرگی شأن آن چی می‌تواند بگوید؟ در وصف عظمت و علو مقام چنین کتابی چه می‌توان گفت؟ نویسنده در این باب چه می‌تواند بنویسد؟ گوینده درباره آن چگونه می‌تواند سخن براند؟ و در وصف چنین کتاب بزرگی که حدّی برای آن متصور نیست چه می‌توان گفت؟

در عظمت و منزلت و افتخار و جایگاه این کتاب، همین بس که در میانه دو جلد این کتاب، کلام امامان معصوم علیهم السلام بیان شده و پرده‌برداری از مشکلات و توضیح معانی آن به دست متفکری بشری افزوده شده که به فهم این کتاب و روشنگری اسرار و فraigیری انوار آن عنایت داشته است؛ چرا که موضوعات شریف آن، هدایت بشر را در همه شئون و در همه نسل‌ها و دوره‌ها متکفل شده است. این کتاب مرجع محدّث، راهنمای پژوهشگر و حجت فقیه در مقام فتوی است. این کتاب، شاهد مثال ادیب، گمشده حکیم، ارشاد کننده واعظ، مقصد عالم اخلاق و مرجعی برای هر مورخ محققی است که گستره دانش وی بسیار است و علوم اجتماعی و سیاست را از آن فرا می‌گیرد. از راهنمایی‌ها و ارشادات کتاب

۱. پس از رحلت آیة الله بروجردی، مرحوم آیة الله خوبی برای اتمام این کتاب شریف گروهی را مأمور کرد که این گروه کتاب را به پایان رسانند و متن کامل کتاب را در ۲۶ مجلد به چاپ رسانند. یکی از افراد مهم این گروه مرحوم آیة الله شیخ اسماعیل معزی ملایری بود. مترجم.

بحارالانوار این است که اسرار خلقت و نوامیس آفرینش را پردهبرداری می‌کند، چرا که همه این معانی در کلام امامان معصوم علیهم السلام یافت می‌شود. به علاوه اینکه تلاش مؤلف آن قابل تقدیر است و جهاد او که در راه تألیف آن صرف کرد و سختی‌هایی که در مسیر تألیف آن تحمل کرد، ستودنی است.

مؤلف پرتوهایی از انوار علوم و فنون را بر جان و دل علماء افکند. به عنوان مثال، کتاب السماء والعالم مشتمل بر احوال عناصر و زاد و ولد و غیره است و این مطلب بر محقق نقاد و روشنگر پنهان نیست. انصاف نیست که دیگران را در هر موضوع و در هر مقام و جایگاه علمی و دانش و حرفه که باشند، به تکلف بیندازیم و مدعی بشویم که کتاب بخار، شامل همه مزايا و خالی از هر نوع نقص می‌باشد؛ در صورتی که این خصوصیت بی‌نقص بودن فقط شأن خدای علام الغیوب و جایگاه مخصوص قرآن است.

شايسه است که اين کتاب را بزرگترین موسوعه علمی در شیعه امامیه و یا به تعبیر جدید، دائرة المعارف شیعه بدانیم.

### سخنی در باره سفینه البحار

از آنچه در باره توصیف بخار بیان کردیم، وضعیت «سفینه البحار» نیز آشکار می‌شود؛ چرا که سفینه، فهرست و تلخیص مطالب آن کتاب است. امتیاز و ویژگی سفینه البحار بر بخارالانوار، به آراستگی نظم و ترتیب و سهولت دسترسی آن است. سفینه همانند یکی از معجم‌های نوین پژوهشگر را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به گشته‌اش می‌رساند. بلکه حق آن است که سفینه البحار، خودش تألیف مستقلی است و مؤلف آن رحمة الله با خوش‌سليقگي و بيش و درايت و ذكاؤت بسيار، مطالب متنوع و مختلفی را در اکثر علوم - على الخصوص در رجال، تراجم و تاريخ حتى تا عصر حاضر را به اصل کتاب بخار الانوار افزوده است و در ذيل هر

## صاحب سفینه البحار کیست؟

مؤلف سفینه البحار، عالمِ عامل، فاضلِ کامل، محدثِ متبحر، خبیرِ ماهر، مورخِ آگاه، پرهیزکار، زاهدِ عابد، حاج شیخ عباس بن محمد رضا بن ابی القاسم القمی یکی از بزرگان شیعه و از محدثین خلاق و قوی در حدیث و ادب و تاریخ است. وی یکی از چهره‌های شاخص این قرن است که گسترده‌گی شهرت و آوازه‌اش در سلط کامل بر حدیث و جایگاه رفیع ایشان در فضل و دیانت و تقوی به قدری روشن است که به هیچ‌گونه توضیح و تفسیر مدفع نیاز ندارد و در نزد اهلش شناخته شده است. او محدثِ محقق مبتکر، بسیار پژوهنده ژرف‌نگر، از نوابغ جامعه اسلامی است، و یگانه و نابغه بی‌مانندی است که روزگار به مثل او نخواهد آورد.

## ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی

صاحب سفینه در درجه عالی زهد و تقوی و اعراض و دوری از زخارف دنیوی قرار دارد؛ علم را با عمل، و قول را با فعل در آمیخته، به گونه‌ای که علیرغم اختلاف دیدگاه‌ها در جامعه، برای قول و فعلش اثر عجیب و شگفتی در تربیت مردم، حتی در بین خواص و علماء قایل بودند. وی آیت و نشانه‌ای از ایمان و ورع و خلوص در عمل به شمار می‌رود. گواه بر این خصوصیات، تألیفات ایشان است که امروز در نزد ما موجود است. تمام نگاشته‌های این عالم وارسته در بین مردم محبوب شده است و همه طبقات علمی به آن رغبت نشان می‌دهند.

در اینجا، ناگزیر از ذکر داستانی هستم که خود ایشان در کتاب الفوائد الرضویه ص ۴۵۳ در ذیل ترجمه صاحب جواهر به عنوان تأیید بر آنچه بیان کردیم، آورده

است. ایشان بیان می کند:

«شیخ بزرگوار ما فقیه دوران شیخ محمدحسن آل یاسین کاظمی از شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب مشهور جواهر الكلام در موضوع انگیزه تصنیف جواهر برای من چنین نقل کرد: هنگامی که استاد من صاحب جواهر به من امر کرد تا در کاظمین سکونت گزینم و در آنجا به ترویج و تبلیغ دین پردازم، به ایشان گفتم: امیدوارم که شما برای حاج علی بن حاج محسن پوست فروش تاجر معروف در کاظمین یادداشتی بنویسی تا برخی از مجلدات جواهر الكلام را که در نزد ایشان است به من امانت بدهد. شیخ گفت: سبحان الله! کتاب جواهر الكلام طوری شده که تاجران را متحول می گرداند. بخدا ای فرزندم! من کتابی ننوشتم که مردم به آن مراجعه کنند، بلکه من آن را برای خودم نوشته‌ام. من گاهی به عذارات (اطراف حله) می‌روم، در آنجا مسائل فقهی از من پرسیده می‌شود، ولی همراه من کتابی نیست و عاجز از پاسخ هستم؛ آنگاه در آنجا بتوانم پاسخ مناسب بدهم. لذا تصمیم گرفتم کتابی بنویسم تا به هنگام نیاز محل رجوع خودم باشد. اگر می‌خواستم کتابی در فقه بنویسم، دوست می‌داشتم که به سبک «ریاض المسائل» میر سید علی [طباطبائی] باشد که شایسته عنوان تصنیف کتاب است.

زمانی که این مطلب را از استادمان رحمت الله علیه شنیدم، گفتم: سبحان الله! در شگفتمندی از دو نکته در مورد جواهر: یکی توفیق وی در اتمام شرح<sup>۱</sup>، دوم رواج آن تا این حد از اعتبار. و اکنون تعجب من برطرف شد. سپس گفت چگونه برطرف شده است؟ گفت: این سخن شما گواه این است که صاحب جواهر، زمانی که در حال تدوین کتاب خود بوده، هرگز در ذهن او ذره‌ای از لوازم جاهطلبی و حب مقام و تمایل به تعریف و تمجید نبوده است، بلکه آن را برای رفع نیاز خود نوشته

۱. جواهر الكلام، شرحی گسترده و کامل بر کتاب «شرایع الاسلام» نوشته محقق حلی (متوفی ۶۷۶) است. مترجم.

بود و لاغیر. و دلیل آن دو شکفتی - یعنی: ۱. اتمام آن، ۲. گسترش و رواج آن بدون رقیب - همین نکته است.

شیخ که رحمت خدا بر او باد، گفت: راست گفتی؛ اغلب نیتها و انگیزهها مغشوش است، و لوازم و تبعات خاص خودش را به همراه دارد. شیخ فقیه در مورد وثوق شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر [کاشف العطاء] نقل کرده که در زمان تصنیف جواهر الکلام، حدود بیست نفر از علماء مشغول به نوشتمن شرح بر کتاب شرایع الاسلام بودند، ولی به جز جواهر هیچ یک به اتمام نرسید و منتشر نشد و این از بھرۀ نیکو و توفیق ویژه او بود».

از آنچه نقل کردیم، مشخص شد که خلوص نیت و حالی بودن عمل از شائبه ریا، در رواج و نشر کتاب و مقبولیت عمومی آن نقش اساسی داشته است. شیخ عباس قمی نیز یکی از مصادیق خلوص است. در سفینه البحار ج ۱ ص ۴۰۸ از «مختصر الاحیاء» شیخ شرف الدین بن مونس شارح التنبیه در باب اخلاص روایت شده است: «انّ من اخلاص اللہ تعالیٰ فی العمل و ان لم یتو ظهرت آثار برکته علیه و علی عقبه الی یوم القيامۃ»؛ هر کس عملش را برای خدا خالص گرداند، آثار برکات آن عمل بر او و بر دودمانش تا روز قیامت آشکار خواهد شد، هرچند خودش نخواهد.

خلاصه اینکه شیخ عباس قمی شخصیتی است که خداوند سبحان او را به عنایات خود اختصاص داده و از طریق آن به بسیاری از بندگانش برتری داده است. شایسته است که در شمار یکی از بزرگترین فضیلت‌های شاخص و یکی از برترین اعمال وی که در همه عمرش قابل ستایش است، به نشر و گسترش پرچم‌های (مشعل) هدایت اشاره کنیم که مردم بسیاری به هدایت‌ها و راهنمایی‌های درخشان او، راه سعادت و سبیل محکم هدایت را درک کردند و راه مستقیم را پیمودند که همه آنها به نیکی در تاریخ ثبت شده و صحیفه‌ها به ذکر آن نورانی شده و سطور با آن مزین

شده‌اند.

## مشايخ شیخ عباس قمی در قرائت و روایت

همچنان که مؤلف خودش در کتاب‌های مختلفش تصریح می‌کند، در اوایل جوانی مقدمات علوم را نزد برخی از علمای قم خوانده است. در سال ۱۳۲۶ق. به نجف اشرف سفر می‌کند؛ در آنجا در بحث و درس علامه محقق حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک حضور می‌باید، شب و روز و در حضر و در سفر ملازم خدمت ایشان می‌شود، از بحث‌ها و درس‌های فراوان استاد بهره می‌برد و در مقابله اجزاء مستدرک الوسائل با ایشان همکاری و کمک می‌کند. محدث قمی در اواخر عمر استاد، از ایشان درخواست اجازه می‌کند و در روز جمعه ششم ماه ربیع الاول ۱۳۲۰ق. در کوفه متبرکه در ساحل فرات در نزدیکی پل، این اجازه صادر می‌شود، همچنان که قمی تصریح کرده است (الفوائد الرضویه ص ۱۵۳). از عبارت ایشان مشخص می‌شود که اجازه محدث نوری شفاهی بوده است. همچنین ایشان به اجازه از سید علامه رجالی، خبیر مصنف کثیر التأییف سید حسن صدر کاظمی صاحب «تکملة امل الامل» و «تأسیس الشیعه الکرام لفنون الاسلام» اشاره می‌کند، همچنانکه خودش در فوائد الرضویه ص ۱۲۳ به آن تصریح کرده است.

من هم به همین صورت از شیخ عباس قمی به واسطه جمعی از استاد خودم – که از جمله ایشان زعیم بزرگ در قم، علامه سید صدر الدین صدر است – نقل می‌کنم که ایشان از محدث قمی نیز اجازه دریافت کرده، همچنان که در اجازاتش به آن تصریح کرده است.

از ویژگی‌های شیخ عباس قمی، مهارت کامل ایشان در قرائت خطوط کوفی است، همچنان که استاد روایت ما - علامه مصنف بسیار نویس که شهرتش آفاق را فرا گرفته - سید محسن امین عاملی در جزء ۱۳ مجلد ۱۴ از چاپ اول کتاب ارزشمند

او چنین است:

«و در مرآة الزمان می گوید: سکینه در مدینه شریفه وفات می یابد و در همه کتب تاریخی در دسترس وفاتش را در شهر مدینه ذکر کنند، بر عکس آنچه عامه می گویند ایشان در خارج مکه در بارگاهی در زاهر در مسیر عمره دفن شده است» سید محسن امین می افراید: «قبر منسوب به سکینه در دمشق در مقبره باب الصغیر صحیح نیست، به دلیل اجماع مورخان که ایشان در مدینه دفن شده است. در کنار این قبر منسوب به ایشان در دمشق، صندوقچه‌ای چوبی پیدا شده است که آیه الكرسى به خط کوفی مشجر بر روی آن کتابت شده است که من آن را دیده‌ام. شخصی موثق و عادل پرهیزگار زاهد عابد، شیخ عباس قمی نجفی که وی مهارت در خواندن خطوط کوفی را دارد، در ماه رب یا شعبان ۱۳۵۶ در دمشق به من اطلاع داد که نام کتابت شده در آخر نوشته‌ای که بر روی آن صندوق است، بدون شک و تردید سکینه بنت الملک است. و بعد از لفظ ملک شکستگی دارد، پس آن قبر مربوط به یکی از دختران پادشاهان است که به سکینه نامگذاری شده است». همچنین از جمله کسانی که مؤلف از محضر ایشان استفاده کرده و برایشان قرائت کرده، شیخ علامه متبحر محقق، جامع معقول و منقول، شیخ فتح الله مشهور به شیخ الشریعه اصفهانی است، همچنان که در دو کتاب خود، فوائد الرضویه ص ۳۴۵ و سفینه البحار ج ۱ ص ۶۹۵ به آن تصریح کرده است.

### مسافرت‌ها

از زمان تولدش تا سال ۱۳۱۶ق. در زادگاهش قم بود، سپس به نجف اشرف نقل مکان می کند و در آنجا تا سال ۱۳۱۸ ساکن می باشد. بعد از آن برای ادائی فریضه حج به مکه می رود، سپس از طریق مسیر فارس و شیراز به اصفهان و قم بازمی گردد

و مدت زمان کمی در آنجا اقامت می گزیند، بعد به نجف برمی گردد و ملازم استادش محدث نوری می شود تا زمانی که محدث نوری در سال ۱۳۲۰ وفات می کند. بعد از وفات استادش همچنان به مدت چندین سال در نجف می ماند، پس از آن به قم باز می گردد، و تا سال ۱۳۲۹ در قم می ماند. بعد برای نوبت دوم عازم سفر حج می شود و مجدداً به قم باز می گردد. چند سالی در آنجا می ماند و سپس به مشهد مقدس رضوی سفر می کند و تا سال ۱۳۴۶ ق. در آنجا می ماند. بعد به نجف رفته و در آنجا می ماند تا زمانی که [سال ۱۳۵۹ق.] وفات می یابد.<sup>۱</sup> رحمت خدا بر او باد.

### تألیفات ارزشمند

ایشان در طول حیاتش، کتاب‌های ارزشمند بسیاری در موضوعات مختلف تألیف کرد و بیشتر آنها بارها به چاپ رسیده‌اند و هر کدام از آنها بهره وافری از شهرت و مقبولیت در نزد عامه مردم پیدا کرد، فهرست عنوانین کتاب‌های ایشان به ترتیب حروف الفبا چنین است:<sup>۲</sup>

۱. الادعیه المنتخبة، چاپ ۱۳۶۱ ق. چاپ سنگی، تهران

۲. الأربعين حديثا، چاپ ۱۳۵۱، تهران

۳. الانوار البهية في تواریخ الحجج الالهیه، ۱۳۴۴، تبریز

۴. الباقيات الصالحات، چاپ شده در هامش مفاتیح الجنان

۵. بیت الاحزان فی مصائب السیدة النسوان، چاپ شده در تهران

۱. تفصیل در این مورد و دیگر رویدادهای زندگی پربار محدث قمی در «سالشمار محدث قمی» نوشته عبدالحسین طالعی آمده است. این مقاله در مجموعه «محدث رباني» آمده که همزمان با همایش بزرگداشت محدث قمی (قم، ۱۳۸۹ شمسی) درج شده است. مترجم.

۲. کتابشناسی کامل و آخرین چاپها و نسخه‌های خطی و ترجمه‌ها و اقتباس‌های مرتبط با آنها (تا سال ۱۳۸۹ شمسی) در مجموعه «محدث رباني» آمده است. مترجم.

۶. تتمة المتهى في وقایع ایام الخلفاء چاپ ۱۳۲۵ش.
۷. تتمیم تحیة الزائر چاپ ۱۳۲۷ق. تهران
۸. تحفة الاحباب في نوادر آثار الصحاب چاپ ۱۳۶۹ق.
۹. التحفة الطوسيّة والنفحۃ القدسیّة چاپ ۱۳۳۷ق. تهران
۱۰. ترجمه جمال الاسبوع سید بن طاووس چاپ شده در هامش مقالات العلیة
۱۱. حکمة بالغة و مأة کلمة جامعة چاپ ۱۳۳۲ق. تهران
۱۲. الدرةاليتيمة في تتممات (تمیم) الدرةالثمينة که شرح نصاب فاضل یزدی است چاپ ۱۳۱۶ق.
۱۳. ذخیرةالابرار في منتخب انبیاس التجار چاپ ۱۳۳۰ق. در بغداد همراه با جلد دوم غایةالقصوى.
۱۴. رسالتا فی الكبار والصغرى. چاپ تهران
۱۵. رسالة دستورالعمل چاپ تهران ۱۳۵۹ق.
۱۶. سبیل الرشاد فی اصول الدين چاپ قم
۱۷. سفینةالبحار و مدینةالحكم و الآثار که از بهترین تأییفات ایشان است. بر اساس آنچه فاضل واعظ ملا علی خیابانی در کتاب علماء معاصرین (ص ۱۸۳) به نقل از شیخ عباس قمی بدان تصریح کرده، بیشتر از بیست سال از عمر شریف‌ش را صرف تأییف آن کرده است. پس شایسته است قدر این کتاب را بدانیم و آن را سبک نشماریم.
۱۸. غایةالقصوى فی ترجمة عروةالوثقی. چاپ ۱۳۳۰ق. بغداد
۱۹. الفصول العلیة فی المناقب المرتضویة چاپ قم
۲۰. الفوائد الرجبیة فی ما یتعلق بالشهر العریّة چاپ تهران ۱۳۱۵ق.
۲۱. الفوائد الرضویة فی احوال علماءالمذهب الجعفریة. چاپ ۱۳۶۷ق. تهران

٢٢. كُحل البصر في سيرة سيد البشر. چاپ قم ١٣٧٧ق.
٢٣. الكنى والألقاب في تراجم علماء العادة والخاصة. چاپ صيدا ١٣٥٨ق. جد ما سيد محمد باقر خوانساری در كتاب روضات الجنات مطالب بسياري از اين كتاب عيناً نقل كرده است.
٢٤. اللالى المنشورة في الاحزان والأذكار المؤثرة
٢٥. ترجمه لهوف چاپ ١٣٢٣ق.
٢٦. مختصر الأبواب في السنن والأدب. مكرر چاپ شده است. تلخيص حلية المتقين علامه مجلسی است.
٢٧. مختصر انيس التجار. چاپ بغداد
٢٨. ترجمه مصباح المتهجد. چاپ ١٣٤٧ق. تهران
٢٩. مفاتيح الجنان. اين كتاب بقدري در ايران و ساير بلاد مشهور شده که قابل توصيف نمي باشد، در هر خانه شيعه اماميه يك يا چند نسخه از اين كتاب يافت می شود.
٣٠. المقالات العليّة في موجبات السعادة الابدية چاپ ١٣٣٠ق. تهران. مختصر معراج السعادة شيخ احمد نراقی.
٣١. المنازل الآخرة والمطالب الفاخرة. چاپ شده در تهران و نجف
٣٢. متنه الآمال في تواریخ النبی و الآل چاپ ١٣٤٤ق. تهران. مكرر چاپ شده است.
٣٣. نزهة النوازير في ترجمة معدن الجوادر. چاپ تهران
٣٤. نفحة المصدور في ما تحدّد به حزن يوم العاشور. چاپ تهران ١٣٤٢ق.
٣٥. نَفَسُ الْمَهْمُومِ فِي مَوْلَدِ الْحَسِينِ الْمُظْلُومِ . چاپ ١٣٣٥ق. تهران
٣٦. هداية الانام الى وقایع الايام چاپ ١٣٥١ق. تهران
٣٧. هداية الزائرين و بمحجة الناظرين چاپ ١٣٢٤ق. تهران

۳۸. هدیۃ الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی و الانساب والالقاب. چاپ ۱۳۴۹ق. نجف اشرف.

این‌ها فهرست کتب چاپ شده و منتشر شده ایشان است. تعدادی از تأثیفات ایشان نیز همچنان به صورت مخطوطات در نزد ورثه‌اش باقی مانده است، مانند: کتاب‌های: *الکشکول*، *الدرالظیم فی لغات القرآن العظیم*، *نقد الوسائل* یا *تمیم بدایة المدایة*، *شرح وجیزه شیخ بهایی*، *فیض القدیر فی ما یتعلق بحدیث الغدیر* که مختصر مجلد *الغدیر* از کتاب *عقبات الانوار* است، *علم اليقین فی مختصر حق اليقین*، *مقالات الفلاح فی عمل اليوم و اللیلة*، *مقلاط النجاح*، *شرح کلمات قصار امیر المؤمنین در نهج البلاغه*، *مختصر الشمائیل*، *قرة الباصرة فی تاريخ الحجج الطاهرة*.<sup>۱</sup>

همچنین ایشان تأثیفاتی داشته‌اند که در ضمن سرگذشت خودش در کتاب *فوائد الرضویه* (ص ۲۲۲) به نام آنها تصریح کرده است، ولی در حال حاضر مفقود می‌باشند.

## ولادت و وفات

شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ در قم متولد شد و بعد از گذشت ۶۵ سال از عمر شریفش در نیمه شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجه ۱۳۵۹ در نجف اشرف وفات یافت. در پایین پای قبر استادش محدث نوری صاحب مستدرک در ایوان سوم سمت راست - برای کسی که از باب القبله به سمت صحن شریف حضرت امیر علی<sup>علیہ السلام</sup> داخل می‌شود - به خاک سپرده شد که من در آنجا مشرف به زیارت قبرش شدم. گروهی از شعراء در رثای وی مرثیه سروندند؛ از جمله آنها دوست ادیب ما، فاضل

۱. این مقاله در سال ۱۳۸۲ قمری نوشته شده که در آن زمان، بیشتر این کتابها چاپ نشده بود. پس از آن تاریخ، بیشتر یا تمام این کتابها به چاپ رسیده است که در منابع کتابشناسی و مجموعه «محدث ربائی» و مجلد یازدهم کتاب «مفاخر اسلام» نوشته مرحوم استاد علی دوانی به تفضیل آمده است. مترجم.

و پرهیزگار معاصر حاج شیخ علی اکبر مروج الاسلام خراسانی که در کتابش هدیه المحصلین ص ۵۵ چنین سروده است:

گفت سال رحلتش بنما بیان چون مروج با دل محزون بطبع	طبع پا اندر میان بنهاد و گفت با مفاتیح الجنان شد در جنان
--	---

$$1289 + 70 = 1359 \text{ (ع)}$$

[عدد مصرع دوم، ۱۲۸۹ می‌شود. از مصرع اول - پای طبع - حرف ع به دست می‌آید و به عدد مصرع دوم اضافه می‌شود].  
و چه زیبا گفته و با طبع دقیقش نیکو سروده است.

شیخ عباس قمی علاوه بر علم بالا و فضیلت والا، دو فرزند فاضل نیز از خود به یادگار گذاشت: عالم فاضل حاج میرزا علی محدثزاده و آقا شیخ محسن. خداوند آنها را سلامت بدارد و به آنچه دوست می‌دارد و مورد رضایتش است، موفق بدارد.

### منابع شرح حال

شرح حال و توصیف او به گونه‌ای که شایسته وی باشد در لابلای بسیاری از مراجع سرگذشت‌نامه‌ها یافت می‌شود؛ همچون: احسن الودیعة فی اشهر مشاهیر مجتهدی الشیعه تأليف سید علامه جامع، متبحر خبیر پرهیزگار، پسر دائی ما آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمی مقیم در کاظمین و یکی از سرشناسان و زعمای بزرگ کاظمین؛ اعيان الشیعه؛ الذریعه الى تصانیف الشیعه؛ ریحانة الادب؛ علماء معاصرین؛ مصقّی المقال فی مصنفو علم الرجال؛ مؤلفین کتب چاپی. همچنین شرح حال ایشان در کتب خودش نیز یافت می‌شود مانند: سفینة البحار؛ فوائد الرضویه؛ الکنی و الالقاب؛ هدیة الاحباب. به علاوه مفصل‌تر از همه این منابع، کتاب بزرگ ما «المستدرکات علی روضات الجنات» که با اصل کتاب روضات در شرف چاپ است، و ما بیان ارزشمندی پیرامون

شیخ عباس قمی در آن کتاب آورده‌ایم.

### پایان بحث

در پایان بحث ناگزیر به این نکته متنذکر می‌شویم که نظر به اینکه نسخه‌های این کتاب (سفینة البحار) با وجود کثرت مشتاقان، نایاب شده است، دو جوان خیر متدین که در نشر آثار دینی توفیق دارند، اقدام به چاپ مجدد و نشر آن نموده‌اند. آقا میرزا داود شیرازی مدیر کتابفروشی سنایی در طهران و شریک وی آقا میرزا حسین که خداوند در انجام کار خیر به آنها توفیق دهد و موفقیت مستمر را برای آنها آرزو داریم.

بنده حقیر میرسید احمد روضاتی این مقدمه را در تاریخ ۲۵ ذی الحجه الحرام ۱۳۸۲ به پایان رساند. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين.